

به بهانه اول ذی القعدة (۲۲ خرداد)، ولادت حضرت معصومه (س) و روز ملی دختران

دختران، فرشتگان کوچک سرنوشت ساز

تربیت کودکان همیشه یکی

از مهم ترین دغدغه های هر پدر و مادری به شمار می رود که اگر بدون آگاهی انجام

شود یا فقط بر اساس رساندن فرزندانمان به آنچه خود نتوانسته ایم به آن دست یابیم باشد و بخواهیم آنها زندگی نریخته ما را زندگی کنند، چنین تربیتی قطعاً موفقیت آمیز نخواهد بود و مشکلات زیادی از جمله ناراضی فرزندان را به دنبال خواهد داشت چون لزوماً خواسته های ما با علایق فرزندانمان یکسان نیست. توجه به جنسیت کودک و نوع تمایلات و خواسته های او نیز موضوع بسیار مهمی است که والدین باید اطلاعات کافی در مورد آن داشته باشند. مثلاً تربیت دختران و پسران در زمینه های مختلف با یکدیگر متفاوت است و پدر و مادر باید از این گونه تفاوت ها آگاه باشند. برای آگاهی بیشتر از چگونگی تربیت دختران با دکتر عباس جواهری، روان شناس و روان درمانگر و عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت و گو کرده ایم.

سلامت: آقای دکتر! لطفاً در ابتدا از اهمیت و نقش تربیت کودکان بگویید.

تربیت، موضوع بسیار مهمی است چون تأثیر پذیری کودکان زیاد است. بنابراین فارغ از آنکه کودکان پسر باشند یا دختر، تأثیرات تربیتی مختلف به مرور و با افزایش سن، همچنین آثار منفی تربیتی گذشته، آینده آنها را هم تحت تأثیر قرار خواهد داد. توجه داشته باشیم تربیت فقط به معنای یاد بار آوردن کودکان و آموزش رعایت ادب و احترام به آنها نیست. در واقع این فقط بخشی از تربیت است. بخش مهم تربیت شامل آن است که او یاد بگیرد در آینده خودش را در ارتباط با دیگران و دنیای اطراف چگونه ببیند و شناسایی کند. تمام این موارد در فرایند تربیت شکل می گیرد.

سلامت: تربیت دختران و پسران تا چه حد متفاوت است؟

در حالت کلی اصول تربیتی برای همه کودکان یکسان است. در گام نخست والدین با داشتن روابط خوب با همدیگر تأثیر بسیار مهمی بر فرزندان خود خواهند گذاشت. اگر والدین ارتباط خوبی با همدیگر نداشته باشند راه جبرانی برای آن وجود ندارد. یعنی هر چقدر هم بخواهند به فرزندان محبت کنند هیچ محبتی نمی تواند جای خالی رابطه خوب پدر و مادر با همدیگر را برای کودک بگیرد. ضمن اینکه رابطه هر کدام از والدین با فرزندان هم اهمیت زیادی دارد.

پس از این موارد، با توجه به جنسیت کودکان باید رفتارهای مناسب با آنها داشت. تربیت مردانه یا زنانه هم فقط به معنای آن نیست که مثلاً دختر نباید با ماشین بازی کند. باید در نظر داشت کودک در آینده قرار است چه جنسیتی داشته باشد. بنابراین او حق دارد مطابق جنسیت خود زندگی کند. پسری که پدر توانمند و قدرتمندی نداشته باشد، نمی تواند مرد موفق و مقتدری

شود. رابطه دختر با مادر نیز باید بسیار درست و با اقتدار باشد، در غیر این صورت در آینده نمی تواند انتخاب خوبی داشته باشد. همچنین اگر با پدر ارتباط خوبی نداشته باشد نمی تواند در روابط با مردان احساس امنیت کند.

دختر و پسر هر کدام باید اوقاتی را با والدین جنس موافق خود بگذرانند. البته این بدان معنا نیست که مثلاً دختران نباید با پدرشان وقت بگذرانند یا بر عکس، بلکه شکل گیری هویت زنانه دختر در ارتباط با مادرش شکل می گیرد و پسر هم با پدر. مادری که قدرتمند، سالم و مقتدر نباشد نمی تواند خصوصیتی را که فاقد آن است به فرزندش منتقل کند. بنابراین برای تربیت درست دختر قدرتمند و شجاع که بتواند در آینده هم انتخاب درستی داشته باشد و فکر نکند هر مردی به او محبت کرد لزوماً می تواند همراه خوبی برایش باشد، ابتدا باید بتواند چنین خصوصیتی را در خودش ایجاد کند.

پدر و مادر سالم در عین قدرتمندی، خودخواه نیستند و می توانند به یکدیگر عشق بدهند و محبت خود را ابراز کنند و همچنین بیادری محبت دیگران هم باشند. دختران علاوه بر مادر باید با گوه های زن زیاد دیگری هم آشنا شوند تا به طور کلی متوجه نقش زن و هویت زنانه شوند. ضمن اینکه باید جنس مخالف را هم شناسایی کنند. در واقع جنس مخالف برای شناخت و شناسایی بیشتر است و جنس موافق هم برای داشتن الگو و دستیابی به هویت واقعی.

سلامت: در انتخاب اسباب بازی برای دختران

و پسران باید به چه نکاتی توجه داشت؟ بعضی اسباب بازی ها هویت جنسی دارند که اغلب مورد علاقه همان جنس قرار می گیرند. ولی به طور کلی کودکان برای انتخاب اسباب بازی مورد علاقه خود باید حق انتخاب داشته باشند. ضمن اینکه پوشش و ظاهر دختران و پسران هم نباید به گونه ای باشد که جنسیت آنها را زیر سوال ببرد.

سلامت: مهم ترین موضوع در تربیت دختران چیست؟

به طور کلی مرحله نخست تربیت شامل هر دو جنس می شود و پس از آن برای تربیت و آموزش به کودکان باید با توجه به جنسیت آنها موارد خاصی را در نظر گرفت. در تربیت کودکان دو عنصر الگو یا نماد و مدل مردانه (mail figure) و الگو و مدل زنانه (female figure) بسیار مهم است. نماد اصلی زن در زندگی یک دختر اغلب مادر است. البته شاید مدل های زنانه قابل توجه دیگری هم در زندگی او وجود داشته باشند.

در واقع به میزان اهمیت و ارتباطی که دختر با مدل اصلی زن حمایت کننده خود دارد تأثیرات او را هم دریافت خواهد کرد چون این مدل همچنین خود اوست، دختر هم در مسیر رشد توسط او، خودش را شناسایی می کند. به این ترتیب می تواند خودش را در او ببیند و با او احساس همذات پنداری کند. یعنی خودش را شبیه او می کند و در وجود او می بیند و دوست دارد یک جاهایی شبیهش هم باشد. وقتی دختر متوجه یکسان بودن جنس خود با مادر می شود

و با توجه به اینکه مهم ترین الگویی هم که در اختیار دارد، مادرش است پس به طور ناخود آگاه و بدون توجه به اینکه به خوب و بد آن فکر کند نتیجه می گیرد باید شبیه مادرش شود.

سلامت: در آینده و با بالا رفتن سن کودک، کیفیت مدل زنانه چقدر می تواند در انتخاب دختر دخالت داشته باشد؟

هر چه سن دختران بالاتر برود می توانند نگاه تحلیلی بیشتری به موضوع داشته باشند. مثلاً اگر مادر زیادی سر به هوا یا مظلوم باشد کودک تصمیم می گیرد در آینده مثل مادر رفتار نکند. یعنی به مرور نگاه تحلیلی در فرد ایجاد می شود که خودش می تواند دست به انتخاب بزند. ولی این موضوع برای هر دختری متفاوت است. بعضی ها وقتی می بینند مادرشان مورد ظلم واقع می شود به طور ناخود آگاه تصمیم می گیرند در آینده شکل مادرشان نشوند و همیشه حرفشان را بزنند و حق خود را از دیگران بگیرند اما اتفاق آسیب زننده ای که اغلب می افتد این است که دختران تمام صفات مادر را از زبان نمی کنند و می خواهند با تمام و کمال مانند او شوند یا برعکس می خواهند. یعنی اگر تصمیم بگیرند مانند مادرشان نشوند سعی می کنند حتی از صفات خوب او هم دوری کنند.

به عبارت دیگر دختران یا کاملاً تسلیم الگوی زن زندگی خود می شوند یا با تمام وجود از آن دوری و به نوعی جبران افراطی می کنند. البته گاهی هم دختران حالت بینابینی را انتخاب می کنند که این حالت ایده آل است و معمولاً با

مشاوره انجام می پذیرد. ضمن اینکه چگونگی این تصمیم گیری ها به ژنتیک، خصوصیات فردی و عوامل محیطی، فرزند چندم بودن و... افراد هم بستگی دارد. به این ترتیب می توان گفت مادران نقش بسیار مهمی برای دختران دارند، چون الگوی ذهنی آنها در مورد زندگی آینده شان را مشخص می کنند.

سلامت: الگو و مدل مردانه تا چه اندازه می تواند در آینده دختران دخالت داشته باشد؟

الگوی مردانه (mail figure) هم حالتی شبیه الگوی زنانه دارد. مهم ترین مدل الگوی مردانه زندگی دختران هم معمولاً پدران شان هستند. در واقع پدر، نخستین معرف جنس مرد به دخترش خواهد بود. یعنی او با نگاه به پدر می تواند با جنس مرد آشنا شود. در آینده و در بزرگسالی، دختر تمام صفات پدر را به همه مردان تعمیم می دهد. بنابراین اگر پدر نتواند رابطه خوبی با دخترش داشته باشد معمولاً روابط آینده دختر با جنس مخالف هم موفق نخواهد بود. به این ترتیب چون دختر از ابتدا ذهنیت منفی نسبت به مرد دارد، رابطه را هم خراب خواهد کرد. ضمن اینکه او در اغلب مواقع هم فردی شبیه پدرش را انتخاب خواهد کرد.

مثلاً اگر دختری پدر زورگو یا خسیسی داشته باشد یا افرادی را که کاملاً چنین خصوصیتی دارند پیدا خواهد کرد یا برعکس، افرادی با خصوصیات کاملاً مخالف پدرش. در چنین حالتی خود او نقش پدر را ایفا می کند. مثلاً با مرد ساده و به اصطلاح ساده دست و پا چلفتی

کند. ضمن آنکه بهتر است حضور شخص قابل اطمینان دیگری مانند پدر بزرگ، عمو یا دایی به عنوان مرد در خانه پررنگ تر شود. در واقع کودک باید علاوه بر الگوی جنس موافق، الگویی هم از جنس مخالف داشته باشد. البته هیچ کس نمی تواند جایگزین نقش پدر برای کودک شود اما چنین الگوهایی می توانند هنگام تصمیم گیری های سخت، موقعیت های دشوار و آسیب زا در کنار بچه ها باشند تا آنها کمتر احساس تنهایی کنند. بنابراین کمبود حضور پدر نباید به گونه ای باشد که دختران احساس ناامنی و بی کسی کنند یا اقتدار تشنه دریافت محبت از جنس مخالف باشند که

وقتی نقش پدر در خانه کمرنگ باشد و مسوولیت حمایت و پشتیبانی از کارهای فرزندان خصوصاً دخترش را بر عهده نگیرد، دختر هم عطش خود را برای برخوردار بودن از عشق و محبت در دیگران جستجو می کند. همین موضوع در آینده می تواند زمینه ساز مشکلات بسیار زیادی خصوصاً در روابط عاطفی برای دختران باشد

درد دارد که اگر نتواند به خوبی در این نقش ظاهر شود، قطعاً الگو پذیری و انتخاب های دختران در آینده و در بزرگسالی هم نمی تواند با موفقیت همراه باشد. البته برای داشتن امنیت، هیچ کدام از والدین نباید کودک را در شرایط سخت و بحرانی تنها بگذارند ولی با توجه به اینکه معمولاً تامین هزینه های اقتصادی خانواده با پدران است، از این لحاظ هم می تواند پشتوانه خوبی برای فرزندان شان باشند.

دختران تشنه محبت!

هر کدام از ما به عشق و محبت نیاز داریم که باید ابتدا آن را از خانواده خود بگیریم اما اگر موفق به کسب این محبت نشویم، طبعاً در آینده آن را از دیگران طلب خواهیم کرد و هر کسی به هر گونه ای به ما توجه نشان دهد فکر می کنیم محبت واقعی همین است و آن را باور می کنیم. مثلاً وقتی نقش پدر در خانه کمرنگ باشد و مسوولیت حمایت و پشتیبانی از کارهای فرزندان خصوصاً دخترش را بر عهده نگیرد، دختر هم عطش خود را برای برخوردار بودن از عشق و محبت در دیگران جستجو می کند. همین موضوع در آینده می تواند زمینه ساز مشکلات بسیار زیادی خصوصاً در روابط عاطفی برای دختران باشد.

در واقع اگر پدر به هر علتی نتواند به اندازه کافی در خانه حضور داشته باشد، حتماً باید این کمبود حضور را در زمان هایی که هست جبران کند، به گونه ای که کیفیت حضور او بتواند تا حدودی کمیت حضورش را جبران کند. ضمن آنکه بهتر است حضور شخص قابل اطمینان دیگری مانند پدر بزرگ، عمو یا دایی به عنوان مرد در خانه پررنگ تر شود. در واقع کودک باید علاوه بر الگوی جنس موافق، الگویی هم از جنس مخالف داشته باشد. البته هیچ کس نمی تواند جایگزین نقش پدر برای کودک شود اما چنین الگوهایی می توانند هنگام تصمیم گیری های سخت، موقعیت های دشوار و آسیب زا در کنار بچه ها باشند تا آنها کمتر احساس تنهایی کنند. بنابراین کمبود حضور پدر نباید به گونه ای باشد که دختران احساس ناامنی و بی کسی کنند یا اقتدار تشنه دریافت محبت از جنس مخالف باشند که

مهم ترین مدل الگوی

مردانه زندگی دختران معمولاً پدران شان هستند. در واقع پدر، نخستین معرف جنس

مرد به دخترش خواهد بود. یعنی او با نگاه به پدر می تواند با جنس مرد آشنا شود. در آینده و در بزرگسالی، دختر تمام صفات پدر را به همه مردان تعمیم می دهد. بنابراین اگر پدر نتواند رابطه خوبی با دخترش داشته باشد معمولاً روابط آینده دختر با جنس مخالف هم موفق نخواهد بود. به این ترتیب چون دختر از ابتدا ذهنیت منفی نسبت به مرد دارد، رابطه را هم خراب خواهد کرد. ضمن اینکه او در اغلب مواقع هم فردی شبیه پدرش را انتخاب خواهد کرد

از دواج می کند که خودش بتواند به او زور بگوید.

سلامت: دختران برای رسیدن به الگوی مناسب چه کارهایی می توانند انجام دهند؟

مهم ترین راه، بالا بردن اطلاعات و آگاهی در این خصوص است. دختران با داشتن تفکر نقادانه و کمک گرفتن از متخصص می توانند به نتیجه بسیار بهتری دست یابند. با شناخت بیشتر افراد و آگاهی از مشکلاتی که در این خصوص وجود دارد نیز می توان به نتیجه بهتری دست یافت. یعنی افراد با افزایش آگاهی می توانند مانع از انتخاب های غلط خود شوند و درست تصمیم بگیرند. داشتن قدرت تحلیل نیز به افراد کمک می کند تا بتوانند علایق و خواسته های خودشان را بهتر شناسایی کنند. در واقع راه پیشگیری از بروز چنین اشتباهاتی در تصمیم گیری آینده دختران این است که والدین سعی کنند پدر و مادر الگوی خوبی برای فرزندان شان باشند.

پدر هم باید بتواند جنس مرد را به خوبی به دخترش معرفی کند. مهم ترین موضوع آن است که در خانه، افراد به همدیگر عشق و محبت واقعی بدهند و کودکان نیز شاهد چنین تبادلات عاطفی باشند. افراد باید در عین حال که بیرون از خانه به فکر کار و فعالیت هستند، در خانه نیز حضور واقعی داشته باشند و هیچ کدام از وظایف و فعالیت های خود را فدای دیگری نکنند. برقراری توازن موضوع مهمی است که باید در تمام زمینه ها جدی گرفته شود.

توجه داشته باشیم برخوردار بودن از الگوی مناسب مرد و زن مانع از افراط و تفریط های دختران هنگام تصمیم گیری های مهم زندگی به ویژه در انتخاب همسر خواهد شد. بنابراین احتمال اینکه بچه هایی با سلامت روان کافی و قدرتمند از دواج های ناسالم بیرون بیایند کم است. ضمن اینکه فرهنگ غلط و نداشتن آگاهی و اطلاعات کافی می تواند باعث بروز تعصباتی در ارتباط با دختران شود، تعصباتی که علاوه بر تفاوت قائل شدن بین دختر و پسر به عزت نفس دختران آسیب می زند. ■

نقش پدر در تربیت دختران



دکتر فاطمه کریمی اصفهانی روان شناس تربیتی و دستیار آموزشی دوره کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی

معمولاً وقتی سخن از فرزندپروری می شود در تصور اغلب افراد نقش پررنگ مادر جلوه می کند. با وجود اینکه نقش مادر در تربیت فرزندان بسیار مهم است اما نقش پدر هم در چگونگی پرورش کودکان به گونه ای است که در زندگی آینده الگو پذیری آنها اهمیت زیادی دارد. این موضوع در تربیت دختران هم موضوع مهمی است که گاهی نادیده گرفته می شود. در واقع داشتن الگوی مناسب جنس مخالف در خانه و با حضور پدر شکل می گیرد. البته کودک از هنگام تولد به محبت، توجه و حضور و حمایت مادر و پدر در کنار همدیگر نیاز دارد. محدود کردن نقش پدر به مسائل اقتصادی باعث می شود کودکان نتوانند ارتباط خوبی با پدرشان داشته باشند. اگر نقش هر کدام از والدین جدی گرفته نشود و آنها نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند، کودک در آینده با مشکلات زیادی مواجه خواهد شد، مشکلاتی که به سادگی نمی توان راه برطرف و حل آنها را به دست آورد و جبران شان کرد.

هماندسازی کودکان با والدین

تقریباً از ۲ سالگی به بعد نقش تربیتی و ایجاد دلبستگی



تقریباً از ۲ سالگی به بعد نقش تربیتی و ایجاد دلبستگی